

۴) نکته مهم آن است که صدر المتألهین در الشواهد الربوبیه قول دیگری را هم در این باره مطرح می کند. وی می نویسد:

«مفهوم المشتق عند الجمهور من علماء الكلام متحصل من الذات و الصفة و النسبة و عند بعض المحققین هو عين الصفة لاتحاد العرض و العرضی عنده بالذات و الفرق بكون الصفة عرضاً غیر محمول إذا أخذ فی العقل بشرط لا شيء و عرضياً محمولاً إذا أخذ لا بشرط و هذا كالفرق بین الجزء الصوری و الفصل و كذا بین الجزء المادی و الجنس. و عند بعض هو الذات مع النسبة إلى المبدأ علی وجه يكون النسبة داخله فی المفهوم و المبدأ خارجاً»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. قول اول در مشتق آن است که مشتق از ترکیب ذات و صفت و نسبت تشکیل شده است.
  ۲. بعضی از محققین مشتق را عین مبدء می دانند (با فرق به شرط لا و لا بشرط).
  ۳. و گروه سومی مشتق را عبارت از ذات + نسبت می دانند. به این معنی که نسبت داخل در مفهوم است ولی مبدء خارج است.
- ما می گوئیم:

- ۱) مرحوم سید جلال آشتیانی در حاشیه، قول سوم را قول مرحوم میر سید شریف معرفی کرده است، بنابر این نظر بساطت قول دوانی است و میر سید شریف «نسبت به مبدء» را داخل در مفهوم مشتق دانسته است.
- ۲) این در حالی است که میر سید شریف اشاره ای به وجود نسبت در مفهوم مشتق ندارد بلکه صدرا قول او را شبیه قول دوانی بر می شمارد.
- ۳) با مراجعه به رساله شواهد الربوبیه<sup>۲</sup> معلوم می شود که قول سوم (مشتق = ذات + نسبت) متعلق به مرحوم میرداماد است. ایشان می نویسد:

«مفهوم المشتق عند جمهور علماء اللسان مرکب من الذات و المبدأ و النسبة، و عند بعض المحققین هو

۱. الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، ص: ۴۴

۲. صدر المتألهین کتابی با عنوان الشواهد الربوبیه دارد که عبارت آن را سابقاً خواندیم و رساله ای هم با عنوان شواهد الربوبیه دارد که فهرست تحقیقات اوست. این رساله در ضمن مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین - انتشارات حکمت - منتشر شده است.



عين مبدأ الاشتقاق بالذات. و الفرق بين العرض و العرضى بالاعتبار، فان اخذ لا بشرط شئ فهو عرضى محمول، و ان اخذ بشرط لا شئ فهو عرض غير محمول؛ و الشئ ههنا هو الموضوع، و هذا كالفرق بين الفصل و الصورة؛ [و] عند استاذنا- دام ظله- هو الموضوع من حيث نسبته الى مبدأ الاشتقاق.»<sup>١</sup>

عبارت امام خمينى:

حضرت امام در تبیین بحث مى نویسد:

«اختلف القوم فى بساطة المشتق و تركيبه على أقوال و منشأ الاختلاف هو اشتغال المشتق على المادة و

الهيئة الموضوعيتين:

فمن رأى أنّهما دالتان على المعنيين دلالة مستقلة مفصلة ذهب إلى التركيب التفصيلي. و من رأى أنّ الهيئة وضعت لأجل قلت المادة من البشروط لائية و تعصى الحمل إلى اللابشرطية الغير المتعصية عنه، ذهب إلى البساطة المحضة الغير القابلة للانحلال العقلي. و من رأى أنّهما موضوعتان لمعنيين يكون نحو وجودهما فى الخارج و الذهن و مقام الدلالة و الدالية و المدلولية بنحو من الوحدة القابلة للتحليل ذهب إلى البساطة القابلة له.

و ظنى أنّ المسألة ذات قولين، و لا أظن بأحد يرى التركيب التفصيلي.

ثم إن القائلين بالتركيب اختلفوا فى أنّ تركيبه من الذات و الحدث و النسبة، أو من الحدث و النسبة، أو

الحدث و الذات إلى غير ذلك.»<sup>٢</sup>

\*\*\*



١ . مجموعه رسائل فلسفي صدر المتالهيّن، ص: ٣١٩

٢ . مناهج الوصول، ج ١، صفحه ٢١٨

توضیح:

۱. قوم در بساطت و یا ترکیب مشتق اقوالی دارند:
۲. منشأ اختلاف آن است که آیا مشتق (ضارب) مشتمل است بر ماده ای (ضرب) که وضع شده و هیأتی (فاعل) که وضع شده است؟
۳. کسانی که می گویند هر کدام از ماده و هیأت، دارای دلالت مستقلاً هستند که به طور جداگانه به معانی آنها اشاره دارد، قائل به ترکیب تفصیلی هستند [یعنی به نحو تعدد دال و مدلول است مثل غلام زید که غلام دلالت خود را دارد و زید دلالت خود را. پس اگر کسی بگوید ضارب دارای دو دال است، یکی ماده و یکی هیأت، چنین کسی قائل به ترکیب تفصیلی شده است]
۴. کسانی که می گویند هیأت وضع شده است تا ماده را از به شرط لا بودن (پذیرفتن حمل) به لا بشرط بودن (قابلیت پذیرش حمل) تبدیل کند، چنین کسی به بساطت محض قائل است. بساطتی که قابلیت انحلال عقلی را هم ندارد.
۵. کسانی که می گویند هر کدام از هیأت و ماده دارای معنای مختص به خود هستند و برای آن وضع شده اند ولی وجود آنها در خارج و در مقام دلالت (در ذهن) دارای نحوه ای از وحدت است. این گروه از طرفی قائل به بساطت هستند و از طرفی قائل به ترکیب.

[این قول را مرحوم اشتهااردی در تقریر فرمایش امام چنین توضیح داده است:

«و تصویر القسم الثانی من التركيب أيضاً فی المشتق: بأن كل واحدة من المادة و الصورة و إن وضعت لمعنى غير الآخر، لكن المفهوم منها شيء واحد، و أمّا المادة و الهيئة فلا يستقل كل واحد منهما عن الآخر فی اللفظ، و لا فی مقام الدلالة، و لا من حيث المعنى، و هذا فی عالم الألفاظ كالمهیولی و الصورة فی عالم الحقائق.»

[<sup>۱</sup>]

۶. به نظر می رسد، ترکیب تفصیلی دارای قائل نیست و لذا همان دو قول اصلی در مسئله هست.

۷. [پس ۳ قول قابل تصویر است:
- |   |   |
|---|---|
| } | ترکیب تفصیلی = قائل ندارد - (احتمال یک) |
|   | بساطت (غیر قابل انحلال) - (احتمال دو)   |
|   | بساطت قابل انحلال = ترکیب غیر تفصیلی    |
- ۳ قول:



قول سوم آن است که اگرچه هیأت و ماده وضع مستقل دارند ولی وقتی کنار هم قرار می گیرند بر شیء واحد به دلالت واحد دلالت می کنند. در حالیکه دال واحد است و مدلول هم واحد است و موجود خارجی مطابق با مدلول هم واحد است]

۸. قائلین به ترکیب غیر تفصیلی (قول سوم) به چند دسته تقسیم می شوند:

ترکیب از ذات و حدث (مبدء) و نسبت (احتمال سه)

ترکیب از حدث (مبدء) و نسبت (احتمال چهار)

ترکیب از حدث (مبدء) و ذات (احتمال پنج)

ما می گوئیم:

(۱) با توجه به آنچه آوردیم، تا کنون ۶ قول تصویر شده است. ۵ قول در کلام امام مطرح بود و قولی مربوط به

میرداماد بود که عبارت بود از اینکه مشتق را «ذات + نسبت» بدانیم.

